

«به نام و یاری اهورامزدا»

اینجانب موبد رشید خورشیدیان نائب رئیس انجمن زرتشتیان تهران بعد از حدود دو سال و نیم کار و تلاش پیگیر در انجمن زرتشتیان گردش ۴۰ و با علم به اینکه به اصطلاح در درون گود بودم (و نه بیرون از گود) نتایج و نیز محصولات حاصله از تجربیات خودم را در انجمن و در این مقطع از زمان لازم دانستم تا به اطلاع تمامی هم کیشان عزیز و ارجمند و بزرگووارم تقدیم و اهدا نمایم. باشد تا هر کدام از شما هم کیشان عزیز اعم از پیر و جوان دختر و پسر زن و مرد دانش آموز و دانشجو و ... با دیدگاه بصیرت و با تکیه بر خرد و وجدان آگاه خود و نیز با تعمق و ژرف نگری و تجدید نظر در تجربیات گذشته خود حداقل در خود باروی و اعتقاد به باورهای دینی و مذهبی و فرهنگی خود به آن درجه از بینش فکر و عقلی برسید که خود بهترین راه حل برای رسیدن به هدف که همانا هرچه بیشتر و مستحکم تر شدن وضعیت زندگی کل مجموعه جامعه ما زرتشتیان ایران در تمامی ابعاد و زمینه های عقیدتی، دینی، مذهبی، فرهنگی، آموزشی، ورزشی، اشتغال، اقتصادی، و سایر موارد دیگر است را خود با تکیه بر استقلال فکری و استقلال تصمیم گیری خود انتخاب فرمایید تا در هر دو جهان مادی و مینوی رستگار و کامروا باشید. و به فرموده پیامبر بزرگ با زرتشتیان:

به سخنان مهین گوش فرا دهید و با اندیشه روزن در آن بنگرید و آنگاه از میان شما هر مرد زن بهترین راه را انتخاب نمایید تا درو جهان مادی و مینوی رستگار و کامروا گردید «گاتاها، سروده های آسمانی آشور زرتشت - هات ۴۸ بند ۵»
اکنون توجه شما عزیزان همکیش را به رؤس مطالب جلب می نمایم.

A- یک پرده واقعی زرتشتی از روی حسن اخلاق و احساس مسئولیت نسبت به جامعه اش با خلوص نیت و هدف واقعاً انجام کار و تأثیر گذار مثبت در کارهای انجمن و جامعه خود، خود را کاندیدا برای انجمن می نماید پس مثلاً با احساس پاک و بی آرایش وارد انجمن می شود و مطمئناً هر گاه کسی با این احساس پاک وارد انجمن شود حداقل توقعات خاص نیز از طرف بعضی از اعضای انجمن دارد (مطمئناً کسانی نیز هستند که از روی احساس ناپاک و سوء استفاده های احتمالی از مقام خود وارد انجمن می شود).

B - جرقه ایجاد تفرقه و تنش بالاخره از یک جایی همیشه و همواره شروع شده ادامه می یابد و در امر انجام تحقق فوق (ایجاد جرقه نفاق و تفرقه) متأسفانه و بیور افسوس در جانب همان افراد مطرح در سطح جامعه کنونی مان (تعداد انگشت شمار و معدود) به شکلی توأم با یار کشی و باند بازی های کاملاً محرمانه و پشت پرده و نیز همراه با تحقیر دیگران (بعضی از اعضاء) و نه بالا بردن و احترام متقابل به یکدیگر که در عمل انجام گرفت و آن هم با برنامه نویسی های خاص و ویژه.

C- جرعه حتک حرمت و ایجاد تفرقه و کاشتن و تخم نفاق و بارور ساختن آن در قبل از تشکیل انجمن (حدود دو سال و نیم قبل) به شکلی توأم با برنامه ریزی های قبلی متأسفانه در عمل انجام گرفت.

(و آن هم توسط همان اشخاص که به مغلظه و سفسطه همیشه می گویند ما ز یاران چشم یاری داشتیم خود غلط بود آنچه می پنداشتیم.)

D- نظر به اینکه انجمن ما به نام انجمن زرتشتیان تهران موسوم است پس به نظر اینجانب کاملاً مشخص است که حتی از نظر توجه به ظاهر امر و تنها گذاشتن احترام که باشد ضرورت دارد و لازم است تا نکات زیر همچنان رعایت گردد.

۱. روحانیت و جامعه روحانیت (موبدان و موبد یاران) بهترین الگو و معرف شخصیت جامعه ما زرتشتیان هستند و نیز خواهند بود. (همان طور که در سایر ادیان الهی نیز این چنین است.)

۲. احترام به لباس مقدس روحانی و شخصیت موبد و یا موبدیار یکی از بالاترین و مهم ترین وظیفه شرعی و دینی هر فرد زرتشتی، دیندار و دینیار است. (همان طور که در سایر ادیان الهی ...)

۳. کنکاش محترم موبدان بزرگترین مرجع رسمی کشور در رسیدگی به امور مربوط به دین و اعتقادات و معنویات و احوال شخصیه و مسائل حقوقی جامعه ما زرتشتیان می باشد (همان طور که در سایر ادیان الهی ...)

۴. انجمن زرتشتیان تهران بزرگترین مرجع رسیدگی به امور مربوط به مسائل مخصوصاً اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با امور آموزش و پرورش و ارائه خدمات مادی و معنوی به جامعه مان و نیز در ارتباط با اداره امور موقوفات و ساختمان وابسته به انجمن میباشد (همان طور که انجمن های سایر ادیان الهی ...)

۵. انجمن زرتشتیان تهران می بایست همواره احترام و نگاهی خاص و ویژه به کنکاش موبدان تهران داشته باشد و بزرگترین حامی کنکاش موبدان تهران خصوصاً از نظر تامین مسائل مربوط به کسری بودجه های احتمالی و یا مسائل اقتصادی آن کنکاش واقعاً قابل احترام باشد. (همان طور که انجمن های سایر ادیان الهی نیز...)

۶. تمامی انجمنهای موجود در سطح ایران می بایست به شکلی با یکدیگر نشستهای احتمالی حداقل چهار بار در سال با یکدیگر داشته باشند و وظیفه (نه لطف) انجمنهای نسبتاً با وضع اقتصادی بهتر است که کسری بودجه های انجمن های دارای وضعیت اقتصادی ضعیف را پوشش دهند (چون انجمن زرتشتیان از هر شهرستان، تهران، اصفهان، ... که باشند یک انجمن وابسته به جامعه زرتشتیان ایران است و فرد و جامعه زرتشتی، زرتشتی است و یزدی و کرمانی و شیرازی و تهرانی و دهاتی و محلی و ...

ندارد. و بدون هیچ منتی می بایست تعادلی در این زمینه و این امر تحقق یابد و در عمل البته نه در حرف (حتی از طریق ارتباط با انجمنهای خارج از کشور به هر شکل ممکن).

۷. در پیامهای مقدس و انسان ساز پیامبر بزرگ ما زرتشتیان فقط و فقط دموکراسی به معنی واقعی حفظ احترام متقابل به یکدیگر (و نه یک طرفه) در تمامی ابعاد و جهات کار اعم از امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، استخدام، ورزشی و امثال آن ستوده شده است و همواره می بایست در مدنظر انجمنها و انجام کارهای مربوط به انجمن باشد و ارزش خاص و حاد دارد با دیکتاتوری (فرد سالاری) و نیز از طرف دیگر با لیبرالیسم (محافظه کاری به هر شکل ممکن) همواره مغایرت و مخالفت شدید دارد.

۸. هر کدام از اعضای کاملاً قابل احترام جامعه مان (خصوصاً هر کس که دارای کارت شناسایی زرتشتیان تهران است) در واقع و در عمل یکی از اعضای انجمن زرتشتیان تهران به شمار می آید و این حق مسلم هر کدام از آنهاست که از صورت ریز تمامی دارایی های نقدی و غیر نقدی، منقول و غیر منقول، موقوفات و ساختمان و بیلان کاری کاملاً شفاف و آشکار در عمل و نه در حرف (و نه خدای ناکرده توأم با مغلطه و یا سفسطه احتمالی) و آنچه که به نظر تعدادی زیادی از همین ۲۱ نفر از اعضای کنونی متاسفانه کاملاً محرمانه و سگرت می بایست و به شکار آید و وظیفه دارم (نه لطف) که درطبق اخلاص (در عمل و نه در حرف) جامعه خوب و خیرخواه مان را همواره مطلع و آگاه سازیم.

۹. به جامعه جوانانمان می بایست به مراتب خیلی بیشتر از اینها و آنچه در واقع در عمل انجام می گیرد بها و ارزش قائل شویم چه در زمینه های برگزاری جشنها خصوصاً جشن سده و مهرگان و ششم فرودین (زاد روز اشو زرتشت) و یا احتمالاً جشنهای ماهیانه دیگر با تکیه بر شرکت آنها در جشن ها به عنوان برگزار کننده اصلی جشنها با اجرای نمایش نامه های تاریخی و یا کمده یا دکلمه و سخنرانی و موسیقی و ترانه و غیره در زمینه های ورزشی و امثال آن .

۱۰. نظر به اینکه معلمین مدارس ما زرتشتیان درعین حال که نسبتاً خوب هستند مطمئناً می توانیم با برنامه ریزی بهتر کارایی مجموعه آنها را از این هم بهتر و مثمرتر نماییم.

C به دلایل زیر اعتراضات شدید خود را با تکیه بر اصول بالا و اجرای بسیار ناقص موارد بالا توسط انجمن فعلی در کل قضیه به شرح زیر اعلام می دارم و چنانچه موارد زیر در عمل و نه در حرف تحقق کامل (و نه ناقص و سطحی) یابد اینجانب کمال همکاری خود را بیش از پیش و حتی بیش از حد توان خودم در اختیار انجمن و جامعه مان قرار خواهم داد و گرنه تنها حاضرم در حاشیه انجمنی و انجام کارهای و امورات مربوط و موجود در کارهای حاشیه انجمن همانند شرکت در دیدار با شخصیتهای مملکتی و سیاسی کشور و همچنین پیگیری موضوعات تمدید قرارداد اجازه با سپاه پاسداران در قصر فیروزه و یا موضوع زمین جشنواره

تهران پارس و یا مسائل اوسون و یا سایر موارد همکاری های لازمه را بنمایم (البته آن هم چنانچه انجمن از من بخواهد) اکنون تیترا و خلاصه ای از اعتراضات اینجانب

۱. **الزام به قدردانی و درخواست همیاری از بزرگان جامعه ما:** با اهدای یک شاخه گل که اولین درخواست من در حدود دو سال قبل بود و متأسفانه به شکل تحقیر آمیز در نطفه خفه شد.

توأم با بدگوئیهای نسبت به آقایان ... و

۲. **الزام رسیدگی به موضع دهاتی و محلی و دستور:** موضوع دهاتی و بدمحلی و دستور دزد که در عمق اعتقاد و باور قلبی و روحی و جسمی و ذاتی و اکتسابی و موروثی وارثی بسیاری از همین اعضای انجمن خصوصاً یک تن از اعضای انجمن آقای ... که به شکل یک بیماری روانی مزمن و کاملاً غیر قابل علاج درآمده است و از حدود شش ماه پیش به این طرف بارها از طرف ایشان مطرح گردید که متأسفانه مطمئناً قابل درمان هم به هیچ عنوان نیست.

۳. **الزام تقلیل در تعداد اعضای انجمن:** تعداد اعضای انجمن می بایست از طریق گذاردن مجمع همگانی و به امید خدا با توافق آن مجمع محترم چنانچه به تفسیر توضیح داده خواهد شد به ۷ و یا حداکثر ۱۱ نفر تقلیل یابد چون در کل قضیه در ما بین اعضا تضاد فکری و گفتاری و رفتاری نیز مطمئناً به همان نسبت کمتر خواهد شد و پیشرفت کارهای انجمنی با قوی تر کردن هر چه بیشتر دبیرخانه در ابعاد کار مسلماً نیز در سطح گسترده تر و بهتر و پیشرفت هر چه سریعتر انجام خواهد یافت (در امور مربوط به حسابداری، مالی، خدمات، امور موقوفات و یا ساختمان امثال آن). و تا زمانیکه به نظر و پیشنهاد این جانب این امر در عمل تحقق نیابد انجمن کامل و مطلوبی نیز نخواهیم داشت.

۴. **الزام دریافت حقوق توسط اعضای هیئت مدیره انجمن می بایست مصوب گردد:** به نظر این جانب بهتر است حقوق مشخص و قابل توجه می بایست تعیین گردد و البته لازم است توأم با خواستن انجام شرح وظایف دقیق و مسئولیت و ساعات کار مشخص (و نه نمایشی) توأمأً انجام گیرد و نه فرمایشی(که مسلماً پیشبرد کارهای انجمن هم سریعتر و هم پربارتر و بهتر انجام خواهد گرفت). و البته بعضی از اعضای انجمن به سفسطه و به مغالطه همواره و همیشه می فرمایند که اگر حقوق به اعضای هیئت مدیره بدهند انجمن از حالت خیریه بیرون می آید؟! جواب این است که اگر بر اساسنامه و مطرح و مصوب گردد و مورد تأیید وزارت محترم کشور نیز گردد هیچ اتفاق خاصی نمی افتد و همچنان انجمن به عنوان یک موسسه خیریه باقی خواهد ماند .

۵. **الزام همکاری کامل انجمنها با یکدیگر:** حدود دو سال قبل به عنوان مثال مسئله کسری بودجه انجمن زرتشتیان اصفهان توسط اینجانب مطرح گردید و در ادامه عرض کردم که این وظیفه انجمن ماست (و نه لطف) که تا کسری بودجه نه تنها آن انجمن، بلکه کسری بودجه احتمالی سایر انجمنهای خاص و کم درآمد را می بایست با آغوش باز(و نه با ترشروی و توأم با منت) تامین نمایم که بلافاصله آقای..... گفت اگر چنین کنیم دیگر انجمنها نیز پرور میشوند؟؟؟ و دیگر انجمنها نیز توقع پیدا میکنند؟! و در هر حال در عمل همکاری انجام نگرفت .

۶. **الزام اصلاحات در اساسنامه انجمن:** اصلاح کامل اساسنامه با قید مسافرت هر کدام از اعضاء در مجموع بیش از سه ماه در طول سه سال عضویت برابر است با استعفا آن عضو و با موضوعات کلید دفتر(رئیس) و با مسئله کلید گاوصندوق و یا همچنین شفاف ساختن موضوع غیاب رئیس که هرگاه رئیس انجمن وقت در چهار دیواری محل انجمن حضور نداشته باشد، غیاب محسوب می شود و یا از محدوده شهر تهران خارج باشد و یا از کشور ایران خارج باشد غیاب رئیس محسوب می شود. کدام یک شفافاً صدق می کند می بایست دقیق مصوب و نیز شرح وظایف نایب رئیس نیز دقیقاً مشخص گردد در اساسنامه که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۷. **الزام استخدام یک وکیل زرتشتی در جوار آقای شهابی برای انجمن:** و با علم به اینکه کارهای خصوصاً موقوفات انجمنی آنقدر سنگین است که آقای شهابی با توجه به انجام تمامی تلاشها و تجربه و مهارتهای پیگیر خود، باز هم توانایی تحمل اینهمه باز سنگین وکالت را ندارد و نیز نخواهد داشت و به همین دلیل هم هست که خیلی از کارهای وکالتی انجمن بکندی پیش می رود. واقعاً در عمل انجمن حداقل دو وکیل از استخدام خود می خواهد تا هم سرعت در کار و هم رقابت در کارها به نحو مطلوب تری انجام گیرد. که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۸. **موضوع کلیه اتاق دفتر(رئیس) می بایست تحقق یابد در عمل:** که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

و هر کدام از ۲۱ نفر اعضاء هیئت مدیره دقیقاً به همان اندازه (نه یک سر سوزن کم، و نه یک سر سوزن بیش) محرم راز هستیم که دیگری است.(آقای ... و هوادارانش همواره می گویند آن وقت در انجمن هرج و مرج ایجاد می شود که به نظر اینجانب مطمئناً و مشخصاً هیچگونه اتفاق خاصی نمی افتد بلکه روحیه همبستگی و همکاریهای دو جانبه و چند جانبه نیز «با توجه به احترام متقابل و نه یکطرفه» به مراتب بیشتر می گردد.

۹. **موضوع کلید گاو صندوق انجمن:** چنانچه مستحضر هستید گاو صندوق انجمن با دو کلید به شکل همزمان باز می شود و می بایست یک کلید گاو صندوق همواره در دست رئیس و در غیاب ایشان در اختیار نائب رئیس باشد و کلید دوم نیز می بایست همیشه و همواره در اختیار خزانه ار انجمن وقت باشد(البته چقدر بهتر است که این موضوع مصوب گردد و در اساسنامه نیز به شکل کاملاً شفاف مطرح گردد. که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۰. **موضوع تبعیت دبیرخانه:** رئیس دبیرخانه وقت می بایست تابع امر ۲۱ نفر اعضاء هیئت مدیره انجمن در موارد جزء(آنهم در کمال خوشرویی باشد که نیست) و در موارد کل تابع امر هر کدام از چهار نفر اعضاء هیئت رئیسه با البته هماهنگی قبلی ما بین اعضاء هیئت رئیسه باشد که نیست بلکه رئیس دبیرخانه در عمل تابع امر چند نفر معدود و کاملاً مشخص می باشد (ولو در عمل رئیس انجمن را همواره عنوان خواهیم نمود چون مطمئناً هر کدام از اعضاء به تنهایی آنقدر فهم و شعور باطنی و قلبی را دارند.که بدانند چه بکنند که بهتر باشد)

۱۱. **الزام تعیین شرح وظایف کامل کارمندان انجمن:** که می بایست در بالای سرمیز کارشان نصب گردد تا مشخص شود حداقل کارمندان تماشاجی در انجمن چه کسانی هستند و یا واقعاً کار کن که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۲. **الزام استخدام یک معاون برای رئیس دبیرخانه:** البته با فراخوان در تابلوهای انجمن(حدود یکماه) و با گذر از فیلتر کمیسیون خدمات و مالی و روابط عمومی. که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند. که از حدود یک سال و نیم قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۳. **الزام استخدام یک نفر رئیس حسابداری انجمن:**و آن هم با تخصص امور مالی با درجه لیسانس حسابداری و یا حسابرسی حتماً لازم است تا با فراخوان عمومی به شکل گفته شده و در بالا به استخدام در انجمن در آید(همچنین یک معاون حسابدار رسمی نیز لازم است تا در استخدام انجمن در آید). که از حدود یک سال و نیم قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۴. **الزام حسابرسی:** یک حسابرسی کامل در عمق حدود ۱۶ سال قبل به این طرف لازم است تا درانجمن با استفاده از یک متخصص حسابرسی انجام گیرد(هر چقدر هزینه ببرد اشکال ندارد). که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۵. **الزام اطلاع تمامی همکیشان از بیان کاری انجمن:** به دور از مغلطه و یا سفسطه احتمالی که می بایست بشکل کاملاً شفاف تر و روشن تر باشد و با پست به آدرس منازل تمامی همکیشان عزیز و ارجمند ارسال گردد تا از مآقع کاملاً مطلع گردند. که از حدود یک سال ونیم قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۶. **الزام تغییر در ساعات کاری کارمندان انجمن:** کارمندی که مایلند از ۸ صبح الی ۳ بعدازظهر یکسره کارکنند، و یا دو شیفته ۸ الی ۱۲ و ۳ الی ۶ درانجمن کار نمایند.(جزء موارد استثناء مانند رئیس دبیرخانه و یا رئیس سازمان پذیرایی و یا موارد خاص دیگر). که از حدود دو سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۷. **الزام نصب تابلوهای ویژه در کنار تابلوهای انجمن:** تابلوئی شیک و کاملاً درخور و شایسته جامعه مان می بایست در جوار تابلوهای انجمن به عنوان تابلو اعلانات غیر وابسته به امور انجمن نصب و آگهیهای غیر از انجمن بعد از گذر از فیلتر کمیسیون خدمات و روابط عمومی در آن نصب گردد. که از حدود یک سال و نیم قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۸. **الزام استخدام یک معاون برای رئیس سازمان پذیرایی:** استخدام یک معاون می بایست، انجام گیرد تا در مواقع حاد مجلس عروسی، یا سدره پوشی، و یا حتی برای بعضی از اوقات روزانه جهت آزاد ساختن وقت رئیس سازمان و یا بالعکس و همچنین کمک به رئیس سازمان در امر خرید و نظارت بر کار آشپزخانه و مسئولین محترم پذیرایی نقش بهتر و مثمرتری داشته باشد (البته شرح وظایف دقیق و کامل رئیس و معاون پذیرایی نیز و همچنین سایر کارمندان سازمان پذیرایی می بایست بطور کاملاً دقیق و مشخص در بالای سر میزشان نصب گردد). که از حدود یک سال و نیم قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۱۹. **الزام پذیرش پیمانکارهای ساختمانی و مهندسين ناظر بیشتر:** جهت انجام هر چه سریعتر پروژه های وسیع ساختمان جنب بیمارستان فیروزگر و با خانه روانشاد مهربانو و کیخسروی (تهرانپارس) و امثال آن در مارکارو قصر فیروزه و یا اوسون که خیلی خیلی لاکچستی وار عمل می شود، هرچه سریعتر انجام گیرد حتی در صورت فقدان و یا کمبود پیمانکاران زرتشتی لازم است از پیمانکاران غیر زرتشتی هم استفاده گردد چون مهمتر از همه در اولویت کار اجرای هر چه سریعتر پروژه است). (و تجربه بسیار تلخ موضوع ساختمان نیمه کاره در مارکار تهرانپارس مجدداً تکرار ، نگردد»

که از حدود یک سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۰. **الزام نشست با سران مملکتی و کشوری:** هماهنگیهای لازمه در جهت نشست با رهبران سیاسی کشور (حاج سیدحسن آقای خمینی، رئیس محترم تشخیص مصلحت نظام جناب آقای آیت اله هاشمی رفسنجانی و یا جناب آقای دکتر احمدی نژاد ریاست محترم و محبوب کشورمان و یا دیگر سران و نیز خبرنگاران و خبرگزاری جمهوری اسلامی و رادیو تلویزیون و امثال آن در اسرع وقت انجام گیرد و در آنجا از نارسائیهها و مسائل مخصوص به تمدید قرارداد اجاره با سپاه پاسداران و یا زمین های جشنواره تهرانپارس و یا امثال آن موضوعات مطرح و احتمالاً پیگیری وحل و فصل گردد. که از حدود یک سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۱. **الزام ایجاد برنامه نشست:** هماهنگیهای لازم در ارتباط با نشست سران گفته شده در مورد شماره ۲۰ از طریق دبیرخانه محترم در انجمن می بایست با پیشرفت و سرعت عمل بهتری انجام گیرد. که از حدود یک سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۲. **الزام راه اندازی آمبولانس جدید:** آمبولانس جدید قصر فیروزه می بایست کارت آن پیگیری و گرفته شود (البته میگفتند گرفته شده) و قابل استفاده شود با نصب خبر آن روی بدنه آمبولانس (در اسرع وقت). که از حدود شش ماه قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۳. **الزام اصلاح تقویم دیواری انجمن:** که می بایست به نظر اینجانب با چاپ بیشترین مطالب نگاهی به دین زرتشت و نیز معرفی کامل دین و آداب و رسوم ما در خلاصه کلام به بهترین شیوه انجام گیرد. (البته با استفاده از عکسهای بعضی از زیارتگاههای ما زرتشتیان). که از حدود شش ماه قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان ناقص ماند.

۲۴. **الزام به درست کردن فضای داخل سالن مارکار تهرانپارس:** از نظر سیستم گرمائی و سرمائی و نیز اکوستیک آن (ضد صدا)

به بهترین شکل ممکن در اسرع وقت. که از حدود شش ماه قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۵. **الزام به ادامه ساختمان داخل آدریان بزرگ:** که در اسرع وقت و با حفظ احترام کامل و متقابل نسبت به بزرگان و

خیرخواهان جامعه مان می بایست انجام گیرد. که از حدود یک سال قبل بارها و بارها نه برای خودم بلکه برای انجمن های بعدی نیز تذکر داده ام ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۶. **الزام به ادامه زیبا سازی و بازسازی و بهسازی پذیرشگاه پارسایی:** لازم است در اسرع وقت انجام گیرد (چون واقعاً خیلی

تاخیر افتاده). که از حدود دو سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۷. **الزام به ادامه تکمیل پروژه دیوارکشی زمینهای روبروی دکتر مرتاض یزد و امثال آن:** که همچنان معلق مانده است. که از

حدود دو سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۸. **الزام استخدام در انجمن در ابتدا با گذر از کمیسیون محترم خدمات و سپس مالی و سپس روابط عمومی:** که می بایست در

حد ۱۰۰٪ و نه ۹۹٪ و در عمل و نه در حرف، همواره و همیشه بعنوان یک اصل مهم انجام گیرد. که از حدود دو سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۲۹. **الزام اطلاع تمامی اعضا انجمن و تمامی همکیشان عزیز از اسامی دقیق منازل:** و مغازه ها و انباریها و سایر موقوفات متعلق

به انجمن و نیز اجاره های دریافتی و با حق الرضاهای و مغازه های احتمالی و با درآمدها، هزینه ها و نیز موارد دیگر مربوط به قصر فیروزه و با مدارس و مارکار تهرانپارس و اماکن مقدسه و سایر موارد می بایست هر حداقل یک سال یکدفعه بدون تقاضای انجمن در اختیار یکایک اعضا محترم انجمن و نیز همکیشان عزیز قرار گیرد تا در جریان دقیق و شفاف آن باشند (هر کدام از اعضا، دقیقاً بهمان اندازه محرم راز است) «نه یک سر سوزن کم و نه بیش» که دیگری است. که از حدود دو سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۰. **الزام به حذف بعضی از جشنهای ماهیانه:** در ارتباط با برگزاری جشنها فقط و فقط چهار جشن اهمیت خاص و ویژه دارد تا

انجام گیرد و بقیه جشنها می بایست، هزینه اش (البته چنانچه ۸۰٪ بالای چهل سال نباشد، و به جای آن ۸۰٪ جوانانمان باشند) را صرف اهداء جایزه های نقدی به دانش آموزان از درجه یک تا ده مدارس زرتشتیان نمود و یا می توان معلمین بهتری را برای

مدارسمان، خصوصاً جایگزین و یا اضافه نمائیم و یا صرف سوبسید برای شهریه مدارس و یا حق سرویس مدارس و یا دادن کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان و یا تازه مزدوجین نمود(و نه وام) که از حدود دو سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۱. الزام به استفاده از متخصصین زرتشتی و نیز الزام به تشکیل میزگرد در همایش جوانان و اشتغال:

بهرتر است از افراد متخصص، فقط و فقط زرتشتی استفاده شود تا در باور جوانانمان این انگیزه و خود باوری ایجاد گردد که ما هم واقعاً خودمان کسی هستیم و خلاء فکری و متخصصین نداریم و به جای تحقیر، سربلند و هرچه سرافرازتر باشیم و این انگیزه در باور جوانانمان بیشتر و روز افزون تر باور گردد و همچنین با تشکیل میزگرد از انرژی فکری و ذاتی جوانانمان بیشتر بهره مند گردیم و در آنها انگیزه اعتماد به نفس و قدرت تصمیم گیری و استقلال فکری را هر چه بیشتر تقویت نمائیم. که از حدود شش ماه قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۲. الزام به جابجائی دو نفر اعضا هیئت نظارت در سالن پذیرایی: هر سه ماه، به سه ماه و یا حداکثر هر شش ماه به شش ماه، به

منظور اینکه هر چقدر ابتکار عمل و رفع نواقص احتمالی و پیشرفت هر چه بهتر کارها در کل قضیه بهتر صورت گیرد. که از حدود یک سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۳. الزام به گذاردن احترام متقابل (و نه یک طرفه) به یکدیگر: این امر می بایست در عمل نه در حرف، مابین اعضا انجمن

خصوصاً تقویت روز افزون گردد. که از حدود دو سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند. و بعضی از اعضای خاص همین انجمن فقط و فقط در عمل احترام یکطرفه می خواهند و هیچ گونه کوچکترین لزومی نمی بینند که احترام متقابل بگذارند. (که نتیجه البته خودخواهی و مغرور بودن خاص آن افراد می باشد).

۳۴. الزام به اصلاح در صحبت: موضوع مخالفت محض و کامل با مسئله مهاجرت جوانان و خانواده های زرتشتی را متأسفانه

معمولاً کسانی مطرح می نمایند. که با خودشان و یا همسر و فرزندانیشان مرتباً خارج از کشور خصوصاً امریکا هستند و این مطمئناً یک نوع تناقض محض با اصل ما وقع دارد و این تناقض محض باعث بی ثباتی و عدم تعادل جوانان و خانواده های نسبت به بعضی از شخصیتها و انجمن نیز نسبت به موضوع مهاجرت میگردد (ما « انجمن» نه موافق کامل و محض با مهاجرت هستیم و نه مخالف کامل و محض با این جریان) که از حدود شش ماه قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۵. **الزام به اضافه نمودن حقوق موبدان و موبد یاران شاغل:** می بایستی ترتیبی اتخاذ گردد تا برای موبدان شاغل (البته موبدان و موبد یاران دقیقاً با یکدیگر یکی هستند و برابر فقط تفرقه اندازان و انگره صفتان مرتب موضوع را بزرگ نمایی می نمایند) علاوه بر حق ایاب و ذهاب (مبلغ ماهیانه ۵۰/۰۰۰ تومان) حداقل ماهیانه ۱۵۰/۰۰۰ تومان نیز علاوه و همچنین علاوه بر آن حق بیمه موبدان شاغل نیز لازم است تا پرداخت گردد، تا نسل جدید و فرزندان حداقل آن موبدان محترم نیز دارای حداقل انگیزه اقتصادی و البته معنوی نیز در عمل برای پرکردن جای خالی موبدان شاغل گردند. که از حدود یک سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۶. **الزام احترام گذاردن کامل به موبدان شاغل:** می بایست موبدانی که خصوصاً در بهر بعنوان سرپرست موبدان حضور دارند حق صبحانه، نهار و شام را پرداخت نمود و یا حداقل نهار را (در مواقع بودن مراسم های خاص در سالنهای آدریان و یا سالن پذیرایی دو دستی و کاملاً با احترام برایشان تقدیم کرد و از آن شخصیتهای محترم پذیرایی ویژه نمود.) که از حدود یک سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۷. **الزام در اولویت مطلع ساختن سرپرست موبدان شاغل (که فعال موبدبمان مهربانی است):** که توسط رئیس محترم دبیرخانه و یا توسط آقای باستانی در ارتباط با شخص در گذشته همکیش، می بایست انجام گیرد تا تنظیم برنامه انجام مراسم توسط سرپرست محترم و موبدان شاغل به بهترین وجه صورت میگیرد و البته چنانچه نواقص و یا انتقادی در کار بود از نظر تبعیض و یا موارد دیگر مستقیماً انجمن می بایست با اطلاع سازند(از طریق دبیرخانه محترم). که از حدود یک سال قبل به اینطرف بارها و بارها تذکر دادم ولی همچنان مسکوت ماند.

۳۸. **الزام گذر از تایید کنکاش محترم موبدان در ارتباط با چاپ هر نوع کتاب که به هر نحو ممکن در ارتباط با دین مقدس زرتش می باشد:** هر کس از همکیشان که بخواهد کتابی را چاپ نماید که در ارتباط با مسائل مربوط به دین مقدس ما زرتشتیان است می بایست قبل از مرحله چاپ آن را حداقل از نظر احترام هم که شده است ، به تایید کنکاش محترم موبدان برساند(به عنوان مثال کتباً آئین اختیار قبل از چاپ متاسفانه حداقل به عنوان احترام هم که شده است از تایید کنکاش محترم موبدان گذشته است که این خود مطمئناً بطور ناخودآگاه کلمه اختیار در ذهن جوانانمان روحیه تزلزل در اعتقاد را که همچنان از قبل به طور نسبی ایجاد شده را بیشتر توسعه و رشد و ایجاد کرده و به دنبال خواهد داشت.) که تذکر دادم ولی مسکوت ماند.(آن هم با جوابی سرد و کاملاً غیر منطقی)

۳۹. **الزام به نصب پیامهای مقدس اشوزرتشت در سالن جلسات انجمن - سالن پذیرایی:** خصوصاً سالن ایرج و سالن پذیرایی

خسروی بعنوان مثال در بالای سر عروس و داماد در سالن جشنگاه خسروی این پیام قدس اشوزرتشت که: از من به شما ای نو عروسان و ای تازه دامان نصیحت که در زندگی همواره در پی نیک منش از یکدیگر پیشی جوئید و یا امثال آن که در ارتباط باشد و نیز در اتاقهای انجمن و بویژه در اتاق آقای لهراسب و همچنین در روی دیوارهای آرامگاه قصر فیروزه و همچنین سالن اجتماعات قصر فیروزه نیز اقدام گردد. (که از حدود دو سال پیش در این زمینه در ارتباط با سالن جلسات انجمن اقدام نمودند ولی با اینجانب مخالفت شدید در عمل انجام گردید و نوشته ها از زیر شیشه های میز انجمن خارج گردید).

۴۰. کلیه مورد فوق بعلاوه بسیاری از مطالب دیگر همانند به مرحله اجرا درآوردن نیت جناب آقای فرامرزی در ارتباط با خانه فرامرزی واقع در خیابان دکتر فاطمی، خیابان بابا طاهر، به عنوان جشنگاه در اسرع وقت (یکسال پیش به اینطرف) و با مسئله زمین آموزش و پرورش قزوین و با تخلیه کامل منازلی از موقوفات انجمن که توام با بیش از ده سال سکونت و حداقل اجاره توام می باشند و همچنین رفع تبعیضات سوئی که نسبت به بعضی از مستاجرین از طرف بعضی از اعضای انجمن حادث می گردد که خود ساعتها بحث و وقت می طلبد را بعلاوه اینکه تاکنون چون در عمل برایم ثابت گردیده است که صحبتهای اینجانب تا به حال ظرف مدت دو سال ونیم تلاش پیگیر و دلسوزانه در انجمن، کوچکتری تاثیری در بهبود وضع و حال انجمن نداشته است (البته در عمل و نه درحرف) و مطمئناً نیز نخواهدداشت (با این وضعیت و روند موجود فعلی) پیامدش حداقل این است که در جلسات انجمن حضور نیابم و حال هر تصمیمی که صلاح میدانید بگیرید. یا واقعاً موضوعات مطرح شده در بالا انشاء است یا موضوعات کاملاً بی ربط و بی اساس با انجمن و یا واقعاً و عمیقاً در ارتباط با انجمن، امیدوارم که فقط خدا پسندانه و واقعاً هم خدا پسندانه تصمیم نهایی خود را بگیرید تا رضای خاطر خدای یکتا و بی همتا را به دنبال داشته باشیم (هر چه کنید خوب و یا بد، حواله تان باخدای یکتا و بی همتا).

در پایان آقای دانشمند همانطور که در یکی از آخرین پیغامهای تلفنی خود از آمریکا مستقیماً به من خطاب کردی، که بجنگ تا بجنگیم، اکنون خوشحالم که در این جنگ انجمنی شما برنده شدید و جام زرین و طلایی انی جنگ انجمنی از آن شما گردیده است، چون به فرموده اشوزرتشت، خوشبختی دیگران، خوشبختی من است. «حتی شما و هواداران کاملاً مشخص و بعضاً پشت پرده شما» که از ابتدا و حتی قبل از ابتدا تشکیل انجمن فعلی همواره سرستیز و دشمنی و ناسازگاری و جنگ روانی را نسبت به من روا داشتید فقط از اهورا مزدای یکتا و بی همتا آرزو دارم تا شما و هواداران شما پیرو راستین (و نه دروغین) راه آشوئی به معنی

پاکی در اندیشه و گفتار و کردار و آن هم به معنی واقعی آن کلام مقدس باشید و از خود استقلال فکری و استقلال تصمیم گیری واقعی داشته باشید روا باشد تا چنین باشد.

در ارتباط با آقای کابلی زاده نیز چون قانون انجمن تابع قانون همه و یا هیچ است، و چنانچه حکم تخلیه شخص نامبرده انجام گیرد (با توجه به اینکه در اساسنامه انجمن صراحت آمده است که یکی از وظایف «و نه لطف» انجمن رسیدگی و کمک به امور نیازمندان و سالمندان جامعه اعم از مادی و یا معنوی است و نیز می بایست بر این اساس انجام گیرد، چنانچه حکم تخلیه آقای کابلی زاده انجام گردد مطمئناً به موازات آن می بایست این حکم تخلیه شامل همه افرادی گردد که حداقل شامل هفتاد مورد از مستاجرین از تعداد کل ۹۸ خانه های وقفی انجمن را شامل می گردد. و در ادامه این مهم نیز لازم است و می بایست انجام و اقدام در عمل گردد.